

پدیده «پرونده شخصیت» ظاهراً از جامعه‌شناسی جنایی و جرم‌شناسی وارد قانون شده است و از آن جا که قضات دادگاه در غیر قضای اسلامی با قوانین ثابت کمتری مواجه‌اند، می‌توانند از این پرونده، در راستای تعیین احکام صادره استفاده کنند، لکن در قضای اسلامی، در موارد تعزیر - چنان که اشاره شد - توجه به پرونده شخصیت قابل توجه است.

لکن در حدود، قصاص و دیه که در ماده 203 بود، قابل توجه نمی‌نماید، مگر جایی که دنبال کردن وضعیت متهم برای ایجاد شک در اجتماع ارکان جرم مقتضی مجازات باشد، مثلاً برای در معرض شک قراردادن عقل متهم یا رشد وی (بنا بر اعتبار رشد) باشد.

ماده 91 قانون مجازات اسلامی مصوب 92 مقرر می‌دارد:

«در جرایم موجب حد یا قصاص، هر گاه افراد بالغ کمتر از هیجده سال، ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن آن‌ها به مجازات‌های پیش‌بینی شده در این فصل محکوم می‌شوند».

شنیدنی این که - به حسب اطلاع ما - پرونده شخصیت به هیچ وجه در دادگاه‌ها جدی گرفته نشده است. شاید خوف از اطاله بیشتر در دادرسی و تحمیل بودجه فراوان بر بیت‌المال با راه افتادن این پدیده و هزینه‌بر بودن آن، رویه قضایی به سوی این تعیین نرفته است؛ هر چند حرکت‌هایی در یک سال اخیر، صورت گرفته است؛ نظیر دستور العمل رییس قوه قضاییه در 98/6/24 در زمینه تشکیل پرونده شخصیت متهم، ابلاغی از سوی رییس قوه قضاییه.

به هر حال، مشاوره در نابالغ‌ها یا بالغ‌های قبل از 18 سال تا حدودی جدی گرفته شده است.

مواد 90 - 95 از قانون مجازات اسلامی 92، نیز هادی به برخی نکات معتبر با بحث کنونی ما است و مطالعه آن‌ها مفید می‌نماید.¹

10. هیأت منصفه²

از مباحثی که علیرغم مطرح بودن آن از زمان انقلاب مشروطه به این طرف، در ایران و مطرح بودن برخی پرسش‌های شرعی و فقهی در اطراف آن، از آن، کمتر گفتگوی فقهی صورت نگرفته است، «نهاد هیأت منصفه» است! این که نهاد مزبور چیست؟ پیشینه آن به چه زمان می‌رسد؟ آیا هیأت منصفه کار قضایی می‌کند؟ شرایط اعضای هیأت چیست؟ در صورت تفاوت شرایط اعضای هیأت با شرایط قاضی، آیا آرای ایشان اعتبار شرعی دارد؟ آیا هیئت منصفه معادلی در فقه و شریعت دارد؟ و ... از پرسش‌هایی است که باید به آن‌ها پرداخت.

پیشینه هیأت منصفه در ایران

موضوع تشکیل هیأت منصفه در نظام قضایی ایران به زمان انقلاب مشروطه در سال 1287 شمسی باز می‌گردد به طوریکه در ماده 79 متمم قانون اساسی مشروطه آمده بود:

¹ در زمینه پرونده شخصیت کتاب و مقالاتی نوشته شده است. مقالاتی از قبیل: «رابطه و تاثیر متقابل پرونده کیفری و پرونده شخصیت»، گروه نویسندگان؛ «آثار پرونده شخصیت در حقوق کیفری ایران»، گروه نویسندگان؛ «لزوم تشکیل پرونده شخصیت در فرآیند دادرسی کیفری ایران»؛ و ...

² جوری (Jury) به زبان انگلیسی و ژوری به تلفظ فرانسوی.

«در مورد تقصیرات سیاسی و مطبوعات، هیأت منصفین در محاکم حاضر خواهند بود» بر این اساس، قانون حضور هیات منصفه را فقط در جرایم سیاسی و مطبوعاتی الزامی کرده بود، بدون این که به جزئیات انتخاب هیأت منصفه بپردازد. از سال 1301 که قانون موقت هیأت منصفه به تصویب مجلس شورای ملی رسید در قوانین متعددی مانند قانون موقت هیات منصفه (1301)، قانون مجازات عمومی (1304) قانون محاکمه وزرا و هیات منصفه (1307)، قانون هیات منصفه (1310)، مقررات مربوط به تعداد هیات منصفه (1315) و لایحه قانونی مطبوعات (مصوب 1331 و اصلاحی 1334) به موضوع هیات منصفه و جزئیات آن اشاره شد.

با پیروزی انقلاب اسلامی و بازنگری در لایحه قانونی مطبوعات، در مواد 30 تا 38 این قانون که به تصویب شورای انقلاب رسیده بود، نیز موضوع هیات منصفه مورد توجه قرار گرفت.

با تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی در سال 58 در اصل یکصد و شصت و هشتم، مقرر می‌شود: «رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیات منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد» البته قانون گذار مقرر می‌کند که نحوه انتخاب، اختیارات هیات منصفه و تعریف «جرم سیاسی» را قانون معین می‌کند.

پس از این تاکید قانون اساسی در سال 1360، قانون احزاب، شورای عالی قضایی وقت را موظف کرده بود ظرف یک ماه لایحه تشکیل هیات منصفه در محاکم دادگستری، موضوع اصل 168 قانون اساسی را تهیه و به مجلس تقدیم کند. در اصلاحات قانون احزاب و مطبوعات در سال 64 مجدداً قانونگذار در ماده 19 مسئولان وقت را مکلف به ارائه لایحه تشکیل هیات منصفه می‌کند، اما با وجود این تأکیدات هرگز چنین قانونی تهیه و تصویب نمی‌شود. تا به این ترتیب، همچنان مواد 30 تا 38 لایحه قانونی مطبوعات که به تصویب شورای انقلاب رسیده بود، مرجع قانونی برای تشکیل هیات منصفه باشد. با اصلاح قانون مطبوعات در سال 79، مواد 36 تا 44 این قانون به موضوع هیات منصفه دادگاه مطبوعات پرداخت و از این جهت بدون این که قانون مجزایی برای هیات منصفه تصویب شود، در ضمن قانون مطبوعات شرایط تشکیل هیات منصفه و حدود اختیارات آن، مورد توجه قانونگذار قرار گرفت. البته در اسفند ماه 82 برای اولین بار پس از پیروزی انقلاب اسلامی، قانونی با عنوان «قانون هیات منصفه» به تصویب مجلس وقت و تأیید شورای نگهبان رسید، اما از آن جایی که در این قانون پیش‌بینی شده بود تا هیات منصفه به قید قرعه و از بین یک گروه 500 نفره عمومی انتخاب شوند، اجرای قانون مستلزم ایجاد تشکیلات خاص و تأمین بودجه لازم بود که از این جهت، هیچ‌گاه این قانون امکان اجرا پیدا نکرد تا این که در سال 87، نمایندگان مجلس هفتم، با لغو قانون هیات منصفه، مجدداً، مقررات هیات منصفه قانون مطبوعات را احیا و آن را دائمی کردند تا شرایط و مقررات هیات منصفه همان باشد که در مواد 36 تا 44 قانون مطبوعات سال 1379 مصوب شده است.

چستی هیأت منصفه ؛ فعالیت ، شرایط اعضا، و ...

در یک تعریف ساده از این نهاد گفته شده: «گروهی غیر رسمی که موقع رسیدگی دادگاه‌های کیفری در پاره‌ای از جرم‌ها با محکمه همکاری می‌کنند».³ همچنین گفته شده جمعی از افراد سوگند خورده هستند که در یک دادگاه به ارائه رسمی یک حکم بیطرفانه (پیدا کردن یک واقعیت در یک مساله قضایی) یا برای تعیین مجازات می‌پردازند. امروزه نقش هیات منصفه در دادگاه معلوم کردن گناهکار یا تبرئه متهم از اتهام در یک جرم است.

قید «پاره‌ای از جرم‌ها» در اصل 168 قانون اساسی به «جرایم سیاسی و مطبوعاتی» توضیح داده شده است. البته هیات منصفه در کشور ما بیشتر در کنار جرایم مطبوعاتی آمده است.

به هر روی در فصل هفتم قانون اصلاح قانون مطبوعات 1379 به رفتار ذیل برمی‌خوریم:

3 . مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج5، ص 3902، شماره 15035.